

ابعاد، شاخص‌ها و الزامات نظریه نظام انقلابی

مصطفی قربانی^۱

محسن محمدی الموتی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

نظریه نظام انقلابی یکی از مهم‌ترین تجربیات اندوخته شده در گام اول انقلاب اسلامی است که هرگاه به آن عمل شده، موفقیت‌آمیز بوده و هرگاه نسبت به آن کم‌توجهی صورت گرفته، دل‌زدگی، سکون و رکود ایجاد شده است. از این رو، در گام دوم انقلاب اسلامی باید این نظریه بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که «اولاً، ابعاد و شاخص‌های نظریه نظام انقلابی چیست و دوم، عمل به این نظریه حاوی چه الزاماتی است؟» پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده و فرض بر آن است که این نظریه دارای سه بُعد اندیشه‌ای، گرایشی و عملی؛ یعنی اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است. بنابراین، ضمن تشریح این ابعاد، شاخص‌های متناظر با هر کدام از آنها استخراج شده و الزامات عملی تحقق آنها نیز تبیین شده است.

واژگان کلیدی

نظام انقلابی، انقلاب اسلامی، انقلاب مستمر، بیانیه گام دوم



۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران
۲. استادیار علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)

مقدمه

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، با اشاره به اینکه بروز آسیب‌ها و دل‌زدگی‌ها در سایه چرخش از مبانی انقلاب اسلامی ایجاد شده و هرگاه نگاه انقلابی و جریان انقلابی نادیده گرفته شده، پیامدهای خسارت‌بار ایجاد شده است، خاطر نشان کردند که انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

مطابق با آنچه که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر آن تصریح داشته‌اند، موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل سال گذشته در سایه انقلابی‌گری و عمل به ارزش‌ها و اصول انقلاب حاصل شده و هر جا که دل‌زدگی و چالشی در این مدت در کشور ایجاد شده، به دلیل روی‌گردانی از ارزش‌ها و اصول انقلابی و جریان انقلابی کشور بوده است. توجه به این مهم در بیانیه مذکور از یک‌سو، و دفاع از «نظریه نظام انقلابی» از سوی دیگر، در عین مشخص کردن آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم، نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، نظریه نظام انقلابی، نقشه راه برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی است. به تعبیر دیگر، محتوای بیانیه گام دوم انقلاب حاکی از آن است که جبران راه‌های طی نشده انقلاب در گام اول و فتح افق‌ها و اهداف تعیین شده در گام دوم انقلاب، تنها با عمل به نظریه نظام انقلابی مقدور و میسر است. بر این اساس، می‌توان گفت که نظریه نظام انقلابی، مهم‌ترین مفهوم مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است؛ زیرا همان‌گونه که موفقیت‌های چهل سال اخیر در سایه نگاه انقلابی حاصل شده، در گام دوم نیز باید نگاه و شیوه‌های انقلابی جهت‌دهنده اصلی حرکت کشور در ابعاد مختلف باشد و این مهم عملی نمی‌شود، مگر در سایه نظام انقلابی. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نظریه نظام انقلابی چیست و چه ابعاد و شاخص‌هایی دارد. پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود و در آن، بیانات مقام معظم رهبری، به ویژه متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، منبع اصلی استناد و تحلیل است.

۱. روش پژوهش

در تلاش برای استنباط ابعاد و شاخص‌های نظریه نظام انقلابی، از روش «عملیاتی کردن مفاهیم» استفاده شده است (رک: کیهوی، کامپنهود، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۲۰) که براساس آن، ابتدا نظریه نظام انقلابی، به ابعاد آن تجزیه شده و سپس، ضابطه‌ها و شاخص‌های متناظر با هر بُعد، با تتبع از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مقام معظم رهبری استنباط و استخراج شده است.



۲. پیشینه پژوهش

بحث و بررسی درباره نظریه نظام انقلابی، به سبب نو و بدیع بودن طرح این نظریه، فاقد پیشینه پژوهشی جدی است و عمده آثار و تحلیل‌های مرتبط با این نظریه، به بحث‌های ژورنالی خلاصه شده است که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

الف) شاید بتوان گفت که مهم‌ترین تحلیل در ارتباط با نظریه نظام انقلابی، مطلبی است که با عنوان «نه آنارشیسم، نه محافظه‌کاری» در هفته‌نامه خط حزب‌الله (شماره ۱۷۳) منتشر شده است. در این مطلب، دو دیدگاه رقیب نظریه نظام انقلابی؛ یعنی دیدگاهی که قائل به «عبور از ساختارهای موجود» است و دیدگاه «دیوان‌سالاری و تکنوکراسی»، تشریح شده است. این مطلب اگرچه به فهم دقیق دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره نظریه نظام انقلابی کمک می‌کند، اما در آن هیچ اشاره‌ای به ابعاد، شاخص‌ها و الزامات عمل به نظریه نظام انقلابی نشده است.

ب) مطلب دیگر، یادداشتی است که توسط آقای مهدی جمشیدی، با عنوان «نظریه‌ای که راهنمای عمل است» (جمشیدی، ۱۳۹۷)، نوشته و در آن تلاش شده است تا از تناقض ظاهری نظریه نظام انقلابی، ابهام‌زدایی شود. این یادداشت نیز در درک چستی نظریه نظام انقلابی به ما کمک می‌کند، اما در آن هم به موضوع اصلی پژوهش حاضر اشاره‌ای نشده است.

ج) کتاب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ افتخار به گذشته، امید به آینده (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸) نیز از جمله آثاری است که در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر منتشر شده است. در این کتاب که توسط سازمان عقیدتی - سیاسی وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است، به ترتیب نقش جوانان، مسئولان، رسانه‌ها و نیروهای مسلح برای تحقق اهداف و سرفصل‌های مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تشریح شده، اما در آن اشاره‌ای به نظریه نظام انقلابی نشده است. در نتیجه، می‌توان گفت موضوع پژوهش حاضر، بدیع است.

۳. نظریه نظام انقلابی چیست؟

با تسامح می‌توان گفت که در اینجا، منظور از نظریه با کاربرد و منظور مصطلح آن در علوم اجتماعی و انسانی شباهت دارد؛ زیرا در علوم مذکور، نظریه حاصل فرضیاتی است که درستی آنها به اثبات رسیده است. در اینجا نیز منظور از نظریه، تلاش برای تئوریزه کردن و در



گام بعدی، عمل به گزاره‌هایی است که در عمل نیز موفقیت آنها اثبات شده است. به عبارت دیگر، از آنجا که موفقیت‌های چهل سال اخیر انقلاب اسلامی در سایه عمل به ارزش‌های انقلابی و عمل به الزامات نظام انقلابی حاصل شده است، پس باید تلاش شود تا تجربیات گام اول انقلاب، به مثابه نظریه، مبنای عمل برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی باشد. بنابراین، منظور از نظریه نظام انقلابی، تلاش برای مبنا قرار دادن تجربیات و اندوخته‌هایی است که در گام اول انقلاب حاصل شده است. وجه دیگر این نظریه، بسط و تعمیم منطق موفقیت‌آفرینی این تجربیات به همه حوزه‌هاست.

باید گفت نظریه نظام انقلابی راه‌گشای عمل انقلابی در چارچوب یک نظام سیاسی-انقلابی است. در این نظریه، خطوط کلی عمل انقلابی ترسیم و تبیین می‌شود. در واقع، در اینجا نظریه نظام انقلابی، بر مبنای مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی، راه‌حل‌های عملی برای تداوم انقلاب اسلامی و حفظ سیرت و صورت آن در شرایط متحول محیطی ارائه می‌دهد.

نکته مهم، ابهام‌زدایی از مفهوم متناقض‌نمای نظام انقلابی است؛ زیرا علوم اجتماعی غربی، بر این باور است که «نهضت» نمی‌تواند با «نهاد» سازگار باشد و زمانی که «نهضت» به «نهاد» تبدیل می‌شود، خواه‌ناخواه دوران «نهضت» به سر خواهد آمد. این امر بدان دلیل است که ذات نهضت، «پویایی» است و ذات نهاد، «ایستایی»؛ و این دو امر متناقض، در محل واحد جمع نمی‌شوند. از این رو، «نظام انقلابی» تعبیری متناقض‌نما و متنافی‌الاجزاست؛ هنگامی که انقلاب به نظام تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌توان سخن از انقلاب گفت و به روش‌ها و مقاصد انقلابی تن داد و ادعای انقلابیگری داشت. بر این اساس، کسانی، یا «اصلاح» را جایگزین انقلاب کردند یا «نظام» را. آن عده که «اصلاح و اصلاح‌گری» را می‌ستایند، به مذمت انقلاب می‌پردازند و انقلاب را به واقعیتی آغشته به هیجان‌های کورکورانه، دشمن‌تراش و بلندپروازانه متهم می‌کنند که ما را به ناکجاآباد سوق می‌دهد؛ و کسانی که «نظام جمهوری اسلامی» را جایگزین «انقلاب اسلامی» می‌شمارند، بر این باورند که باید میان این دو، یکی را انتخاب کنیم؛ یا باید دوران انقلاب و انقلابیگری را به‌سرآمده و تمام‌شده فرض کنیم و به قواعد حکمرانی متداول گردن نهیم، یا معترضان و ناسازگاران، در برابر دنیا قرار بگیریم و فریاد برآوریم. حال آنکه هر دوی این برداشت‌ها، خطاست؛ انقلاب و انقلابی‌گری، با تعبیری که امام خمینی (ره) از آن داشتند و رهبر انقلاب نیز از آن سخن می‌گویند، تمام‌شدنی و تاریخی



نیست و نظام سیاسی برآمده از انقلاب، اگر به انقلاب پشت کند و با توجیه «ثبات»، «منطق» و «عقلانیت»، از فرهنگ انقلابی عبور کند، آفت ویرانگر «ارتجاع» به آسانی تحقق خواهد یافت و حاصل انقلاب، چیزی جز «جابه‌جا شدن حاکمان» نخواهد بود (جمشیدی، ۱۳۹۷).

بنابراین، در تعریف نظام انقلابی باید از کلیشه‌های موجود فراتر رفت؛ زیرا در اینجا، «نظام»، اشاره به ساختار و «انقلاب»، اشاره به آرمان‌ها می‌کند؛ یعنی نظام انقلابی، نظامی است که کارویژه خود را تحقق آرمان‌های انقلاب می‌داند. از این رو، در این گونه نظام میان جوشش انقلابی و تحول‌خواهی انقلابی با استقرار و ثبات ساختاری (سازمانی) جمع صورت گرفته است. البته این به معنای پذیرش منطق ایستایی و رکود ساختاری نیست، بلکه با مبنا قرار دادن آرمان‌های انقلاب، برای تحول ساختاری نیز تلاش می‌شود.

بنابراین، این نظریه در میانه انقلاب‌گرایی و اصلاح‌گرایی قرار می‌گیرد؛ انقلابی است؛ زیرا به تحول دائمی معتقد است؛ اصلاح‌گرا هم هست؛ زیرا تحول دائمی را از راه اصلاح تدریجی ساختارهای موجود و نه نفی و طرد کامل آنها پیگیری می‌کند. از سوی دیگر، هم در مقابل رویکردهای سلبی‌گرای کامل قرار می‌گیرد که قائل به نظم و نظام‌های سیاسی موجود نیستند و آنها را نفی و طرد می‌کنند، و هم در برابر رویکردهای محافظه‌کار و ایده‌آل‌پنداری می‌ایستد که نظم و نظام‌های موجود را کامل می‌دانند و به همین دلیل، با هرگونه آرمان‌گرایی و انقلابی‌گری در قالب ساختارها مخالف هستند. بنابراین، نظریه نظام انقلابی، جمع میان انقلابی بودن و ساختارگرا بودن است. انقلابی است؛ زیرا تحول دائمی تا رسیدن به سرمنزل مقصود را در چارچوب گفت‌وگو، آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی پیگیری می‌کند. همچنین ساختارگراست؛ زیرا وجود ساختارها را لازمه تحقق آرمان‌ها می‌داند و البته براساس همان روحیه انقلابی و آرمان‌خواهی، معتقد به تحول دائمی در ساختارها، در راستای همان اصول انقلابی است.

۴. اهمیت نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی معطوف به حفظ سیرت و ساخت حقیقی انقلاب اسلامی و تداوم کنش‌های انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی است. از این رو، این نظریه در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی نقش حیاتی خواهد داشت. این نظریه، به ویژه با توجه به شرایط کنونی انقلاب؛ یعنی در پایان گام اول و ورود به گام دوم، اهمیتی مضاعف دارد. به بیان دیگر، اهمیت این نظریه ناظر به عوامل و متغیرهای زیر است:

الف) نظریه‌ای برای جبران نارسایی‌ها و دل‌زدگی‌ها

علت بروز برخی نارسایی‌ها و بازماندگی‌ها در کشور در تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی را باید در فاصله گرفتن بخش‌هایی از مدیریت کلان کشور در اتخاذ رویکردی جهادی و انقلابی دانست. رهبر معظم انقلاب در فرازی از بیانیه گام دوم در این باره متذکر شده‌اند: «هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها». به عبارت دیگر، برآیند تحلیل منصفانه و واقع‌بینانه رهبری معظم در تبیین راه طی شده، «تحقق دستاوردها به تبع تعهد نسبت به مبانی انقلاب اسلامی» و «بروز آسیب‌ها در سایه چرخش از مبانی انقلاب اسلامی» است. از این رو، روح انقلابی و انقلابی‌گری باید در ارکان نظام تقویت شود تا بتوان نقاط ضعف در عملکردها را بیش از پیش مرتفع کرد. در واقع، رهبری معظم انقلاب با تأکید بر اینکه دل‌زدگی‌های پیش‌آمده ناشی از عدم پایبندی مسئولان به ارزش‌ها بوده است از یک سو و تأکید بر نظریه نظام انقلابی از سوی دیگر، درصدد هستند تا این نکته مهم را یادآوری کنند که جبران کمبودها در گام دوم انقلاب، تنها با عمل به ارزش‌ها میسر خواهد بود.

ب) تمایز خطوط فاصل انقلاب اسلامی و تضمین هویت بخشی آن

انقلاب اسلامی در برهه کنونی با دو جریان مواجه است: جریانی که معتقد است برای مطالبه آرمان‌ها و استمرار انقلاب اسلامی، حتی می‌توان از ساختارها هم عبور کرد و هیچ‌کس و هیچ‌چیز هم نباید سد راه این موضوع شود. به باور اینان، اساساً انقلاب اسلامی برای تحقق کامل شعارها و آرمان‌هایش رخ داده است و اگر در مسئله‌ای، ساختار کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت تحقق آن آرمان‌ها را نداشت، می‌توان از آنها عبور کرد (هفته‌نامه خط حزب الله، ش ۱۷۳). مضر و خسارت‌بار بودن این تفکر بدیهی است. از این رو، رهبر معظم انقلاب اسلامی با رد این‌گونه برداشت، انقلابی‌گری را فقط در بستر نظام قابل تحقق می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

در نقطه مقابل این تفکر و جریان، تفکر «دیوان‌سالاری» و «تکنوکراسی» وجود دارد که معتقد به پایان‌پذیری روحیه انقلابی است؛ بدین معنا که انقلابی‌گری برای زمان پیروزی انقلاب است و نه استقرار آن و بنابراین، ارزش‌ها و شعارهای انقلاب صرفاً در مرحله انقلاب



کردن اعتبار و کارآمدی دارد و نه در مرحله بعد از انقلاب و تشکیل حکومت. پیامد این نگاه، محصور کردن انقلاب و ارزش‌های آن در چارچوب قفس‌های آهنین بروکراسی و به بیان دقیق‌تر، تسلیم ساختارها شدن و تحمیل منطق بروکراسی بر منطق انقلابی‌گری است که به محافظه‌کاری و سکون می‌انجامد (هفته‌نامه خط حزب‌الله، ش ۱۷۳). مقام معظم رهبری این نوع نگاه را نیز نفی کرده، می‌فرمایند:

«در مجموعه انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلط وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیر قانونی و از این حرف‌ها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است... انقلاب مرحله‌ای دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد، مرحله اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله اول انقلاب بود. بعد در مرحله دوم، این نظام بایستی ارزش‌ها را محقق کند؛ این ارزش‌ها و آرمان‌هایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گویم، باید در جامعه تحقق یابد. این ارزش‌ها اگر بخواهد تحقق یابد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی. بنابراین، مرحله بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به‌وسیله اجرائیات درست - قانون درست، اجرای درست - این آرمان‌ها و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه می‌شود جامعه انقلابی؛ یک جامعه انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه انقلابی؛ این چهارم [است]. بعد که جامعه انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه «انقلابی» می‌توانید کلمه «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مرحله است که وجود دارد. بنابراین، انقلاب تمام نمی‌شود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمی‌شود. یک صیوررتی وجود دارد؛ صیوررت یعنی شدن، شدن دائم،



تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک سیرورت دائمی‌ای وجود دارد که این سیرورت دائمی، به تدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزش‌های والا را، آن آرمان‌ها را در جامعه تحقق می‌بخشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

راه‌حل دچار نشدن به این دو آفت، آن‌گونه که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تصریح کرده‌اند، ترویج نظریه نظام انقلابی است؛ نظریه‌ای که در آن میان جوشش و خروش انقلابی یا به تعبیری، آرمان‌خواهی انقلابی و ایستایی و یکنواختی ساختاری تعارض و تضادی نمی‌بیند؛ زیرا در این نظریه، اصل بر ساختن است و نه تاختن؛ اصل بر حرکت است و نه جمود. به عبارت دیگر، در نظام انقلابی، می‌توان در عین پایبند بودن به ساختار، انقلابی هم ماند و برای رفع مشکلات ساختار و کارآمدسازی هرچه بیشتر آن، تلاش کرد.

ج) رد نظریه ترومیدوری انقلاب‌ها

از زوایای دیگر می‌توان گفت که نظریه نظام انقلابی، در نقطه مقابل نظریه ترومیدوری انقلاب‌ها (رک: برینتون، ۱۳۶۶: ۲۶۶-۲۴۰) نیز قرار دارد و درصدد اثبات این گزاره است که انقلاب اسلامی ایران، انقلابی در حال شدن است که آرمان‌های آن با مرور زمان کهنه و بی‌اعتبار نمی‌شود و بنابراین، به سرنوشت انقلاب‌های دیگر مبتلا نخواهد شد.

د) تضمین ماندگاری انقلاب اسلامی

بدون شک میان حفظ روحیات، جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و کنش‌های انقلابی به مثابه سیرت یا ساخت حقیقی انقلاب اسلامی، با ماندگاری انقلاب اسلامی نسبت مستقیم وجود دارد. مقام معظم رهبری درباره اهمیت این ساخت حقیقی می‌فرماید: «نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل



پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح، این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق و ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزای ساخت حقیقی، باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

از این رو، نظریه نظام انقلابی که معطوف به حفظ ساخت حقیقی و همچنین، حفظ روحيات، سياست‌ها و جهت‌گیری‌های انقلابی نظام است، الزامی برای تضمین ماندگاری انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر، نظریه نظام انقلابی را می‌توان «نظریه ماندگاری انقلاب اسلامی» نیز نامید. این موضوع به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که تلاش برای «انقلاب‌زدایی» یکی از محورهای مهم در اقدامات خصمانه دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران است.

۵. ابعاد نظریه نظام انقلابی

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر به کار بستن نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی و ساختن الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی، در فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب، می‌توان گفت که نظریه نظام انقلابی دارای سه رکن یا بُعد اساسی؛ نگاه انقلابی، که می‌توان از آن به «اندیشه انقلابی» تعبیر کرد، روحیه انقلابی و عمل جهادی است که در ادامه به تشریح آنها پرداخته می‌شود.

الف) اندیشه انقلابی: نگاه انقلابی که می‌توان از آن به ایدئولوژی و پایه نظری نظام انقلابی تعبیر کرد، همانا اسلام انقلابی است. در واقع، نظام انقلابی باید مبتنی بر یک‌سری پایه‌های نظری - اندیشه‌ای باشد که براساس دیدگاه مقام معظم رهبری، پایه‌های مذکور برگرفته از اسلام انقلابی است. به عبارت دیگر، بنیان‌های نظری نظام انقلابی که در حکم راهنما، جهت‌دهنده، فراخ‌کننده و در عین حال، محدودکننده آن هستند، برگرفته از اسلام انقلابی‌اند؛ یعنی نظام انقلابی در صورتی، انقلابی خوانده می‌شود که براساس ایدئولوژی یا ایده‌ها و بنیان‌های نظری انقلابی پایه‌گذاری شود. بنابراین، در نظام انقلابی، مبنای راهنما و جهت‌دهنده، اسلام انقلابی است. در عین حال، مشروعیت و شرافت ابزارهای مورد نیاز برای اداره چنین نظامی نیز براساس اصول اسلامی تعیین می‌شود.



از جمله مهم‌ترین شاخص‌ها در اندیشه انقلابی می‌توان به اسلام‌محوری، نفی و طرد هرگونه التقاط در اندیشه، نفی و مبارزه با اسلام آمریکایی، طرد سکولاریسم و تحجر، اعتقاد راسخانه به نقش مردم، حسن ظن و اعتماد به وعده‌های الهی، نفی استکبار و مبارزه با آن، نفی سلطه‌پذیری و تأکید بر حفظ استقلال کشور، تأکید بر پیشرفت هویت‌محورانه، تأکید بر وحدت در ابعاد داخلی و در میان امت اسلامی، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، دقت در حفظ مصلحت‌ها و... اشاره کرد.^۱

ب) روحیه انقلابی

روحیه انقلابی که می‌توان از آن به «انقلابی‌گری» هم تعبیر کرد، از یک زاویه، وجه «گرایشی» نظریه نظام انقلابی را تشکیل می‌دهد و از زاویه دیگر، وجه سازمان یا «ساختاری» آن را تشکیل می‌دهد. می‌توان به تلفیق این دو نوع نگاه رأی داد و براساس آن گفت که منظور از روحیه انقلابی، ایجاد یا وجود ساختارها و سازمان‌هایی است که در آنها روحیه انقلابی ساری و جاری باشد؛ یعنی ساختارهایی که خصیصه سازندگی، تحول‌گرایی، پویایی، بالندگی و... در آنها موج بزند. به عبارت دقیق‌تر، در مفهوم روحیه، شور و احساس متعالی نهفته و انگیزه، اراده و عزم مفاهیمی است که در متن دانش‌واژه روحیه است.

براین اساس، روحیه انقلابی حالتی است که فرد انقلابی بی‌توجه به سختی‌ها، موانع، فشارها و تهدیدات، تنها به پیش‌برد آرمان انقلاب می‌اندیشد. البته این به معنای بی‌توجهی به واقعیت‌ها نیست، بلکه منظور این است که در عین توجه به واقعیت‌ها، اسیر منطق واقعیت‌ها نمی‌شود و در برابر واقعیت‌های نامطلوب، تسلیم نمی‌شود، بلکه برای ایجاد و رقم زدن واقعیت‌های مطلوب، با عزم و اراده انقلابی و تحول‌خواهی، اقدام می‌کند. از این جهت، مفهوم روحیه انقلابی در اینجا با مفهوم روحیه انقلابی در مرحله شکل‌گیری و تکوین انقلاب‌ها - آن‌گونه که در نظریه‌های انقلاب‌ها گفته می‌شود - قرابت و بلکه تطابق معنایی دارد؛ زیرا در هر دو حالت، روحیه انقلابی، عاملی درونی و انگیزاننده است که با تقویت شجاعت و روحیه، منجر به کنش‌های انقلابی می‌شود. براین اساس، اشاره به روحیه انقلابی

۱. شاخص‌های مذکور از بیانات مقام معظم رهبری درباره شاخص‌های خط امام(ره) اخذ شده است که در سال‌های متمادی در مراسم‌های سالگرد رحلت امام(ره)، ارائه شده‌اند. از جمله می‌توان به این موارد رجوع کرد:

- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۷۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۳۸۹/۱۴/۰۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۰.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴.



در نظریه نظام انقلابی می‌تواند به این معنی باشد که همان روحیه، شجاعت، امیدواری و اهل اقدام و عمل بودنی که در مرحله پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی، سبب گره‌گشایی و بن‌بست‌شکنی شده است، در گام دوم انقلاب اسلامی نیز باید حفظ و تقویت شود.

در جامع‌ترین تعریفی که رهبری معظم انقلاب از روحیه انقلابی ارائه داده‌اند، مجموعه‌ای از خصوصیات را به عنوان روحیه انقلابی ذکر کرده‌اند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «معنای روحیه انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده روشن حرکت می‌کند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است؛ این روحیه انقلابی را باید حفظ کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲).

بنابراین، شجاعت، اقدام و عمل، ابتکارورزی، بن‌بست‌شکنی و امیدواری نسبت به آینده از جمله شاخص‌های روحیه انقلابی از دیدگاه رهبری معظم انقلاب است.

ج) عمل و مدیریت جهادی

عمل جهادی، با مدیریت جهادی قرابت دارد و همانگونه که از عنوان آن برمی‌آید، بعد یا رکن عملی نظریه نظام انقلابی است و عملی است که در شرایط کمبود و وجود موانع متعدد، با احساس تکلیف، تعهد انقلابی و رسالت، بتواند کارآمدی خود را در اداره جامعه ثابت کند و در حل معضلات جامعه توفیق پیدا کند (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). مقام معظم رهبری در تعریف این نوع مدیریت می‌فرمایند: «مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳). «پُرکاری، با تدبیر حرکت کردن، شب و روز شناختن و دنبال کار را گرفتن، این معنای مدیریت جهادی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹). یا اینکه در جای دیگری می‌فرمایند: «مدیریت جهادی عبارت است از خودباوری، اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰).

در ضرورت مدیریت جهادی برای تحقق گام دوم انقلاب باید گفت که کارآمدی و توفیق هر دولتی در اداره جامعه را بر اساس سه مؤلفه اهداف، امکانات و موانع موجود می‌سنجند (فتحعلی، ۱۳۸۹: ۱۶۳). به عبارت دیگر، با توجه به موانع و امکاناتی که هر دولت در اختیار دارد، می‌توان در مورد میزان موفقیت آن دولت در دستیابی به اهدافش قضاوت کرد. نظام جمهوری اسلامی ایران از یک سو، دارای اهدافی بلند (ملی و فراملی) است، به گونه‌ای که علاوه بر توفیق



در اداره حیات مادی جامعه، به تربیت و پرورش فضیلت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی توجه دارد و از سوی دیگر، با موانع فراوان (داخلی و خارجی) و امکاناتی محدود (با توجه به اینکه این کشور با تحریم‌های ناجوانمردانه استکبار جهانی روبه‌روست) مواجه است. بنابراین، در شرایط کنونی، با توجه به محدود بودن امکانات و فراوانی موانعی که بر سر راه این نظام در تحقق اهداف آن وجود دارد، با حرکت و تلاشی عادی و معمولی توانایی و سرعت عمل این نظام در تحقق اهدافش کند خواهد بود. اینجاست که ضرورت مدیریت جهادی مطرح می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، شاخص‌های عمل جهادی عبارت‌اند از: کار با نیت الهی، اعتماد به کمک الهی، کار مبتنی بر علم و درایت، پُرکاری، خودباوری و اعتماد به نفس.

ابعاد نظریه نظام انقلابی	شاخص‌ها
اندیشه انقلابی	<ul style="list-style-type: none"> - اسلام‌محوری - نفی و طرد هرگونه التقاط در اندیشه - نفی و مبارزه با اسلام آمریکایی - طرد سکولاریسم و تحجر - اعتقاد راسخ به نقش مردم - حسن ظن و اعتماد به وعده‌های الهی - نفی استکبار و مبارزه با آن - نفی سلطه‌پذیری و تأکید بر حفظ استقلال کشور - تأکید بر پیشرفت هویت‌محورانه - تأکید بر وحدت در ابعاد داخلی و در میان امت اسلامی - آرمان‌گرایی واقع‌بینانه - دقت در حفظ مصلحت‌ها
روحیه انقلابی	<ul style="list-style-type: none"> - شجاعت - اقدام و عمل - ابتکارورزی - بن‌بست‌شکنی - امیدواری نسبت به آینده
عمل و مدیریت جهادی	<ul style="list-style-type: none"> - کار با نیت الهی - اعتماد به کمک الهی - کار مبتنی بر علم و درایت - پُرکاری - خودباوری و اعتماد به نفس

۶. الزامات نظریه نظام انقلابی برای تحقق گام دوم

برای بررسی الزامات نظریه نظام انقلابی با هدف تحقق گام دوم انقلاب، باید به تبیین این الزامات در ارکان نظریه مذکور پرداخت. به عبارتی، تحقق افق‌های تعیین‌شده در گام دوم انقلاب مستلزم اقدامات انقلابی در سه حوزه نگاه (اندیشه) انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی، به عنوان ارکان نظریه نظام انقلابی است.



الف) در حوزه اندیشه انقلابی

الزامات نظریه نظام انقلابی برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه انقلابی، بدین معناست که در تلاش برای استحکام نظام انقلابی باید علاوه بر نفی و طرد نگاه‌های غیرانقلابی در اداره کشور - که اتفاقاً در چهل سال گذشته منشأ آسیب و دل‌زدگی بوده است - برای تثبیت و تقویت اندیشه و نگاه انقلابی نیز تلاش شود. برخی از مهم‌ترین الزامات این حوزه عبارت‌اند از:

- پایبندی به هندسه انقلاب اسلامی: توجه به هندسه انقلاب اسلامی که از دیدگاه مقام معظم رهبری مبتنی بر هفت اصل «مردم»، «استقلال کشور»، «تدین و پایبندی به مبانی اسلامی»، «مبارزه با استکبار و زورگویی»، «مسئله فلسطین»، «موضوع معیشت مردم» و «توجه به مستضعفین و رفع فقر» است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴)، بهترین تجلی نگاه انقلابی و از مهم‌ترین الزامات آن در سیاست‌گذاری و اقدام است. به عبارتی، نگاه انقلابی ایجاب می‌کند که در گام دوم انقلاب اسلامی، خطوط هفت‌گانه مذکور همچنان مورد توجه قرار گیرد.

- پایبندی به شاخص‌های انقلابی‌گری: نگاه انقلابی ایجاب می‌کند که در گام دوم انقلاب اسلامی، همچنان به شاخص‌های انقلابی‌گری توجه شود. این شاخص‌ها از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از: «پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی»، «هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت بلند برای رسیدن به آنها»، «پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور»، «حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او» و «تقوای دینی و سیاسی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).

- توجه به ساخت حقیقی نظام: سیاست‌گذاری و اقدام برای تقویت و استحکام ساخت حقیقی نظام جمهوری اسلامی ایران که از دیدگاه معظم‌له «همان آرمان‌های جمهوری اسلامی» و شامل عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن و... است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴)، از دیگر الزامات نگاه انقلابی است. به عبارت دیگر، نظام انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی نمی‌تواند به آرمان‌های والای نظام بی‌توجه باشد، بلکه جهت‌گیری اصلی سیاست‌های آن باید معطوف به تحقق و جامه عمل پوشاندن به آرمان‌های اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد.



- اثبات کارآمدی نگاه انقلابی: آن گونه که سیر تحولات چهل سال گذشته انقلاب اسلامی نشان می دهد، هرگاه نگاه انقلابی مبنای تصمیم گیری و اقدام بوده است، نه تنها از مشکلات پیش رو عبور کرده ایم، بلکه فرصت سازی و مزیت آفرینی نیز صورت گرفته است. در واقع، در هر حوزه ای که بر اصول و مبانی انقلابی تأکید داشته و جهت گیری های درون نگر، مدیریت جهادی و... حاکم بوده است، پیشرفت کرده ایم؛ مانند حوزه علم و فناوری یا حوزه دفاعی. جالب آنکه در این حوزه ها هم همیشه با تحریم های سنگینی مواجه بوده ایم؛ یعنی علی رغم وجود موانع و فشارهای متعدد، توانسته ایم پیشرفت کنیم. با این حال، در حوزه هایی مانند اقتصاد که از اصول و مبانی انقلابی فاصله گرفته ایم و جهت گیری های معطوف به تقویت درون و مدیریت جهادی و انقلابی نداشته ایم و در عوض، به بیرون از مرزهای کشور چشم دوخته ایم، پیشرفت های چشمگیری نداشته ایم. دقت در آمارهای تخصیص بودجه و اعتبار در سال های مختلف، ادعای مطرح شده در بالا را به خوبی تأیید می کند؛ زیرا در حوزه دفاعی در حالی که توان دفاعی راهبردی و بازدارنده دست یافته ایم که بودجه اختصاص یافته به تقویت بنیه دفاعی کشور فقط حدود ۵ درصد بوده است.

آنچه در این ارتباط بیش از همه حائز اهمیت است، «تصویرسازی» است؛ زیرا در اصل اینکه نگاه انقلابی حلال مشکلات کشور است، شکی نیست، اما اینکه ادراک نخبگی و عمومی تا چه حد به این گزاره باور داشته باشد، وابسته به کیفیت و میزان اثربخشی تصویرسازی از ظرفیت های نگاه انقلابی در اداره کشور است. کارویژه تصویرسازی، بیش از هر حوزه دیگری، «رسانه ها» مربوط می شود.

- طرد و انزوای نگاه غیرانقلابی: استحکام نگاه انقلابی ایجاب می کند که علاوه بر تلاش برای اثبات کارآمدی نگاه انقلابی، برای نفی، طرد و به حاشیه راندن نگاه های غیرانقلابی نیز تلاش شود. در واقع، از آنجا که نگاه های غیرانقلابی در اداره کشور منشأ آسیب و دلزدگی بوده، باید آسیب ها و مضرات این نوع نگاه ها برای جامعه تبیین شود تا در بزنگاه هایی مانند انتخابات، در دام لفاظی ها و گفتار درمانی های گفتمان های غیرانقلابی گرفتار نشوند.

- اولویت درون گرایی: ظرفیت های متعددی در داخل کشور وجود دارد که هرگاه به آنها اعتماد و اتکا شده است، چشمه های موفقیت جوشیدن گرفته و بخشی از معضلات کشور حل و رفع شده است، که به برخی از این نمونه ها در بالا اشاره شد. در واقع، موفقیت ها و دستاوردهای چهل سال گذشته در شرایطی صورت گرفته که به درون اتکا داشته ایم و در هر حوزه ای که به بیرون چشم دوخته ایم، موفقیت چندانی حاصل نشده است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «...»



امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم... نمی‌گوییم از اینها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶).

- فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری: در حوزه اندیشه انقلابی، یک الزام مهم، گرفتار نشدن در حوزه‌های نظری غیرمرتبط و فاقد قابلیت عملی شدن و فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری است. به عبارتی، از آنجا که در حوزه اندیشه و نظریه‌پردازی در کشور، متأثر از تسلط علوم انسانی غربی، قاعده‌مندی‌هایی حاکم است که به طور عمده، فاقد ظرفیت لازم برای اندیشه‌ورزی براساس مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی است، الزامات اندیشه‌ای نظریه نظام انقلابی ایجاب می‌کند که خود را گرفتار قاعده‌مندی‌های این علوم نکنیم. در واقع، از آنجا که مسائل نظری به طور عمده برخاسته از مسائل هر جامعه‌ای است، پس نظریه‌هایی که در یک جامعه خاص ارائه شده، الزاماً قابل تطبیق و عملیاتی شدن برای جامعه‌ای دیگر نیست. از این رو، در گام دوم انقلاب، در حوزه اندیشه، باید در عین فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری، برای تولید اندیشه نیز متناسب با مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی و کشور تلاش کرد. به عبارت دقیق‌تر، از مهم‌ترین الزامات نظریه نظام انقلابی، تولید دانش و ادبیات متناسب با این نظریه در حوزه‌های مختلف است. اساساً یکی از اصلی‌ترین خلأها در چهل سال گذشته که سبب شده نگاه و رویکرد انقلابی در برخی حوزه‌ها در انزوا قرار بگیرد، ضعف منابع دانشی و نظری مبتنی بر نگاه انقلابی بوده است. در این شرایط، گفتمان‌ها و نگاه‌های رقیب نگاه انقلابی به راحتی توانسته‌اند رشد و نمو پیدا کنند. این الزام که بیش از هر حوزه‌ای، معطوف به حوزه علوم انسانی است، در بلندمدت می‌تواند در زمینه ایجاد بنیان‌های نظری لازم برای تحقق دولت اسلامی و فراتر از آن، تمدن نوین اسلامی، بسیار راه‌گشا باشد. از جمله حوزه‌هایی که باید ظرفیت اندیشه‌ای - دانشی متناسب با آن تقویت شود، می‌توان به مدیریت جهادی، آموزه‌های دفاع مقدس، اندیشه‌های راهبردی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و... اشاره کرد.

- گفتمان‌سازی: تقویت نگاه انقلابی در کشور مستلزم گفتمان‌سازی است. بایستی با ترویج و تبیین ضرورت این موضوع در این برهه از زمان برای کشور و طرح آن در فضای عمومی جامعه، مجدانه برای تقویت گفتمان و نگاه انقلابی کمک کرد. اهمیت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که وقتی موضوعی به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شود، چارچوبی برای هدایت جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های افراد، سازمان‌ها و... خواهد بود. به عبارتی، وقتی



یک موضوع به گفتمان تبدیل شود، یعنی در فضای عمومی جامعه جای گرفته است و در این حالت می‌توان امیدوار بود که همه خود را در چارچوب و قالب آن گفتمان تعریف کنند و برنامه‌ها و کنش‌های خود را با آن هماهنگ سازند. در این صورت، تحقق آن موضوع کار دشواری نخواهد بود و این به معنای استفاده از توان حداکثر افراد و نیروهای جامعه، در راستای تحقق هدف مورد نظر است. آنچه در این گفتمان‌سازی باید مورد تأکید قرار گیرد، روی آوردن به درون و اتکا به ظرفیت‌های داخل کشور، جهاد کبیر در مقابل دشمنان و حفظ استقلال نظام در دنیای متلاطم کنونی، مدیریت جهادی و... است.

- مردم‌باوری و مردم‌محوری: موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل سال گذشته و همچنین، عبور از گردنه‌های سخت و صعب‌العبور پیش روی انقلاب اسلامی، در سایه حمایت‌های مردمی امکان‌پذیر بوده است. از این رو، نگاه انقلابی ایجاب می‌کند که در گام دوم انقلاب اسلامی مردم‌باوری و مردم‌محوری تداوم داشته باشد. توضیح آنکه انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب در تاریخ جهان است که با گذشت بیش از چهل سال از پیروزی آن، هنوز هویت انقلابی خود را حفظ کرده است. در واقع، انقلاب اسلامی «در حال شدن» است و آرمان‌های آن با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی نه تنها به پایان نرسید، بلکه افق‌های جدید و والاتری نیز پیش روی آن ترسیم شد. از این رو، رهبران این انقلاب، همواره بر ساری و جاری بودن انقلاب در جامعه و تداوم جوش و خروش روحیه انقلابی در میان آحاد مردم تأکید داشته‌اند. دقت در این مهم سبب شده که جمهوری اسلامی، ثبات و پایداری خود را، حتی در بحرانی‌ترین لحظات، به حضور مردم در صحنه گره بزند و تاکنون در این زمینه موفق بوده است. غائله ۱۸ تیر ۱۳۸۷ و فتنه ۸۸، با همین راهبرد مردمی‌سازی و اتکا به حمایت‌های مردمی شکست خورد؛ دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای نیز در سایه این مهم محقق شد.

به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی از آن رو موفق به تداوم حیات خود شده است که بسیج سیاسی مردمی را همواره در طول چهل سال گذشته حفظ کرده است. حال آنکه نهضت‌های پیش از انقلاب اسلامی، عمدتاً در مرحله قبل از پیروزی به نیروی مردمی اتکا داشتند و در مرحله بعد از پیروزی، اتکای چندانی به نیروهای مردمی نداشتند. به عبارتی، نهضت‌های مذکور چون در مرحله بعد از پیروزی بیش از آنکه به مردم متکی باشند، به نخبگان سیاسی متکی بودند، با بالا گرفتن اختلافات میان نخبگان، بلافاصله زمینه‌های ضعف، زوال و شکست آنها هویدا می‌شد.



ب) در حوزه روحیه انقلابی

این رکن از نظریه نظام انقلابی، اگرچه در حوزه گرایشی قرار دارد، اما به طور مستقیم از کنش‌ها و اقداماتی که در جامعه انجام می‌شود، متأثر است. به عبارت دیگر، روحیه انقلابی بیش از هر عاملی، بر اثر کنش‌های انقلابی شکل می‌گیرد. بر این اساس، برخی از مهم‌ترین الزامات تقویت روحیه انقلابی برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

- امید و نگاه خوش‌بینانه نسبت به آینده: امیدواری نسبت به آینده روشن انقلاب و کشور یکی از مهم‌ترین نکاتی است که در ترویج روحیه انقلابی اثرگذار خواهد بود. در این زمینه، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده را «کلید اساسی همه قفل‌ها» دانستند؛ تعبیری که گویای اهمیت این موضوع است.

- تولیدات فرهنگی - رسانه‌ای اثربخش: بخش مهمی از چگونگی شکل‌گیری و تداوم روحیات در هر جامعه‌ای متأثر از تولیدات فرهنگی - رسانه‌ای است. از این رو، در تلاش برای تقویت روحیه انقلابی در گام دوم انقلاب، تولیدات فرهنگی - رسانه‌ای، توجه خاصی می‌طلبد. از جمله مهم‌ترین حوزه‌هایی که باید در آن به ترویج روحیه انقلابی پرداخت، می‌توان به شعر، موسیقی، سرود، داستان‌نویسی، فیلم و... اشاره کرد. اهمیت این حوزه‌ها، همان‌گونه که اشاره شد، بدان سبب است که هم باورپذیری گزاره‌های انقلابی را بالا می‌برد و هم انگیزه و شوق لازم را برای عمل به ارزش‌های انقلابی در جامعه مخاطب بالا می‌برد.

- تقویت نگاه سیستمی: واقعیت آن است که در کنار برکات و دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی، نقاط ضعف و کم‌کاری‌هایی نیز وجود دارد. حال چنانچه نسل جوان کشور، به هر دلیلی، از توجه به نقاط قوت غفلت کند و در عوض، به نقاط ضعف تمرکز و توجه بیشتری داشته باشد، به طور قطع به ناامیدی مبتلا خواهند شد. راه‌حل گرفتار نشدن به چنین عارضه‌ای، تقویت نگرش سیستمی و همه‌جانبه در تحلیل شرایط کشور است؛ بدین معنا که باید تلاش شود تا در تحلیل‌ها و اقدامات رسانه‌ای، این‌گونه به مخاطبان القا نشود که مشکلات موجود لاینحل است، بلکه در عین بازگویی نقاط قوت، باید تلقین شود همان‌گونه که در چهل سال گذشته، دستاوردهای بی‌شماری حاصل شده است، مشکلات موجود نیز قابل حل خواهد بود. در واقع، در نگرش سیستمی، باید هم ضعف‌ها را دید و هم قوت‌ها را؛ توجه بیشتر به هر یک، منجر به بخشی‌نگری می‌شود که به طور مسلم، تبعاتی دارد و با واقع‌بینی در تعارض است.



- بازگویی موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل ساله انقلاب: توجه به این مورد نیز در ذات خود روحیه‌بخش است، به‌ویژه اگر به درستی و با دقت تمام تبیین شود که انقلاب اسلامی، دستاوردهای چهل سال اخیر خود را در شرایطی به دست آورده که با انواع و اقسام دشمنی‌ها، فشارها، تهدیدها و... روبرو بوده، اما همه این موارد نتوانسته است سد راه این انقلاب در دستیابی به پیشرفت شود.

- بازگویی ظرفیت‌های مختلف کشور: ظرفیت‌های مختلف کشور اعم از انسانی، جغرافیایی و طبیعی، در حوزه علم و فناوری و... نیز بیش از سایر موارد می‌تواند در ترویج روحیه انقلابی مؤثر باشد. البته به مناسبت‌های مختلف به این ظرفیت‌ها اشاره شده است و در اینجا به منظور رعایت اختصار، از بیان آنها خودداری می‌کنیم. تنها نکته مهم در ارتباط با این ظرفیت‌ها این است که کشوری با این میزان ظرفیت‌ها و توانایی‌ها نمی‌تواند بن‌بست داشته باشد.

- بازگویی توانایی‌های انقلاب برای عبور از دشواری‌های چهل سال اخیر: توجه به این واقعیت نیز می‌تواند بسیار روحیه‌بخش و امیدآفرین باشد. برای مثال، وقتی جوان امروز ما بداند که در دوران دفاع مقدس در مقابل حدود شصت کشور، آن هم با دست خالی و تنها با اتکا به خداوند متعال، مجاهدت‌های رزمندگان و حمایت‌های مردمی توانستیم آن عرصه را به صحنه دلآوری‌ها و رشادت‌های خود تبدیل بکنیم، بدون شک، در هم‌آوردی امروز نیز از تجهیزات و امکانات جبهه دشمنان انقلاب اسلامی نمی‌هراسد و خود را برای رویارویی با این دشمنان و اعتلای انقلاب و کشور آماده می‌کند.

ج) در حوزه عمل و مدیریت جهادی

الزامات این حوزه از یک‌سو، معطوف به حل و رفع چالش‌های موجود و از سوی دیگر، به تحقق گام دوم معطوف می‌شود. به عبارتی، باید به گونه‌ای عمل شود که ضمن جبران ضعف‌ها و چالش‌های موجود در کشور، به آرمان‌ها و افق‌های تعیین‌شده در گام دوم نیز جامعه عمل پوشانده شود.

- نهراسیدن از مشکلات و موانع: عمل جهادی یعنی ویرای توان عادی خود کوشیدن، یعنی با کمبود بودجه و نیرو و امکانات جنگیدن؛ یعنی پذیرفتن سخت‌ترین کارها و انجام دادن آنها به نحو احسن. بنابراین، در عمل جهادی، «نمی‌شود»، «نمی‌توانیم»، «نمی‌رسد»، «بودجه و امکانات کافی نیست» و... محلی از اعراب ندارند. مدیر جهادی، به موانع و مشکلات



به دیده فرصت می‌نگرد و هرگز از مشکلات نمی‌هراسد، بلکه خود را برای رفع آنها آماده می‌کند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «آنان که کمر بسته‌اند برای حفظ اسلام باید اشخاصی باشند که اگر همه رفتند، آنها بمانند. کسی که مشغول کاری هست باید با مشکلات بسازد؛ کسی که عمل به این مهم می‌کند، باید بسازد تا درست شود. کسی که بخواهد مشکلی در کار نباشد، باید مثل مرده‌ها برود قبرستان یا مثل درویش‌ها منزوی بشود.»

- اقدام قاطع برای حل مشکلات و مبارزه با مفسدان: اقدام جهادی، انقلابی، قاطع، سریع، مقتضی و متناسب برای حل مشکلات از یک‌سو، و برخورد بدون مماشات و ملاحظه با اخلال‌گران و مفسدان در امور کشور از دیگر الزامات تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است. بر این اساس، مسئولان باید در حوزه‌هایی که می‌توانند و مربوط به حوزه مسئولیت آنهاست، عزم و اراده جدی برای حل مشکلات داشته باشند. به نظر می‌رسد در صدر این اقدامات باید ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد، حمایت از اقشار ضعیف و کم‌درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی، چابک‌سازی روندهای بوروکراتیک، مبارزه جدی، علنی، شفاف و اثربخش با مفسدان و محتکران، به ویژه آقازاده‌ها و نزدیکان به برخی مسئولان و... قرار داشته باشد.

- پرهیز از رویکرد جناحی و حزبی در اداره امور: عمل جهادی به حواشی مسئله‌ساز توجه ندارد؛ زیرا آنچه در عمل جهادی مهم است، همانا خدمت‌گزاری است. از این رو، در عمل جهادی باید تلاش شود تا بدون توجه به وابستگی‌های حزبی و جناحی، از ظرفیت تمامی نیروهای مؤمن و معتقد به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی استفاده شود تا آنان به سوی عملکرد واگرایانه کشیده نشوند و از ظرفیت آنها برای تقویت کشور و خدمت‌گزاری هرچه بیشتر به مردم استفاده شود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «... ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. البته ما هر کدامان دلبستگی‌هایی داریم، سلیقه‌هایی داریم؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه مسائل اجتماعی، دوستی‌هایی داریم، دشمنی‌هایی داریم، اینها همه حاشیه است؛ متن عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد؛ و نکته [مهم] در زمینه خدمت، این است که وقت محدود است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶).

- تلاش برای گسترش عدالت: توجه به عدالت در گام دوم انقلاب اسلامی از چند جهت حائز اهمیت است: اول، عدالت یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و در عین حال، از مهم‌ترین کارویژه‌های حکومت اسلامی است؛ دوم، عدالت از جمله حوزه‌هایی است که اگرچه در چهل سال گذشته مورد توجه بوده، هنوز هم مسائل حل‌نشده فراوانی در ارتباط با



آن وجود دارد. نظام انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی نمی‌تواند به مسئله عدالت بی‌توجه باشد و باید برای تحقق هرچه بیشتر عدالت ناب اسلامی تلاش کند.

- **جوان‌گرایی:** میدان دادن به جوانان به عنوان مخاطبان اصلی رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، الزامی تردیدناپذیر در حوزه عمل جهادی است. این موضوع از چند نظر حائز اهمیت است: اول آنکه میدان دادن به جوانان تجربه موفق است؛ یعنی در هر جایی که به جوانان اعتماد شده، موفقیت حاصل شده است. دوم آنکه کشور در آستانه یک گذار نسلی قرار دارد که طی آن، نسل اول و دوم انقلاب باید رسالت‌ها و مسئولیت‌های انقلاب را بزودی به نسل جوان واگذار کنند. از این رو، جوان‌گرایی باید هرچه دقیق‌تر، کامل‌تر و سریع‌تر در همه حوزه‌ها مدنظر قرار گیرد.

- **نهادسازی جهادی و انقلابی:** نهادسازی مطابق با نگاه انقلابی نیز از الزامات مهم برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است. اهمیت این موضوع از آن روست که برای نمونه توفیق جمهوری اسلامی در بدترین شرایط درآمدی و امنیتی در دهه نخست برای کاهش شدید محرومیت روستاها و حاشیه‌نشین‌ها، ناشی از یک نهادسازی صحیح و هوشمندانه با به‌کارگیری نیروهای مردمی و جهادی بود. همین‌طور است درباره افزایش سطح سواد و تحصیلات و همچنین خدمات درمانی و بهداشتی. از سوی دیگر، ناکامی پانزده سال اخیر (پس از فرمان رهبر انقلاب در اوایل دهه ۱۳۸۰) در مبارزه با قاچاق کالا یا فساد اقتصادی، دقیقاً معلول موفق نشدن در نهادسازی و انگیزه‌بخشی عاملان اقتصادی و سیاسی برای همکاری حول این محورها بوده است. ما گاه نتوانسته‌ایم صاحبان منافع شخصی و گروهی را به تغییر رفتار به نفع منافع ملی و اسلامی ملزم سازیم، گاه نتوانسته‌ایم هزینه تصمیمات بحران‌زا یا رفتارهای فسادزا را به قدر کافی و بازدارنده بالا ببریم و گاه نتوانسته‌ایم مشارکت واقعی مردم در اقتصاد و اداره امور کشور را تضمین کنیم. ثمره نهادهای فعلی، خود را در ایجاد شبکه‌ای از ذی‌نفعان اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که نفع آنها در استمرار واردات کالاهای اساسی و وابستگی به خارج، حفظ وابستگی بودجه دولت به نفت، تداوم قاچاق کالا، فساد اقتصادی یا هر چیز دیگری است (خاندوزی، ۱۳۹۷). حال آنکه با نهادسازی انقلابی می‌توان مانع از تداوم فعالیت این شبکه‌ها در کشور شد.

- **تقویت نگاه راهبردی و بلندمدت در سیاست‌گذاری:** واقعیت آن است که در دهه‌های گذشته، ما از کوتاه‌نگری اعضای دولت و مجلس آسیب‌های بسیار خورده‌ایم و گاهی به



دلیل منافع کوتاه‌مدت، در دوران مسئولیت خویش از حرکت به سمت اصلاحات ریشه‌ای و بلندمدت و احیاناً دردناک فرار کرده‌ایم؛ برای مثال، تا دیوار تحریم بر سر ما خراب نشده، دست به تدابیر جدی نزده‌ایم؛ بحران‌های زیست‌محیطی، صندوق‌های بازنشستگی و بدهی‌های دولت را به آیندگان واگذار کرده‌ایم و امثال این مواجهه‌ها، تنها گذراندن یک دوره مشکل‌ارزی، مجازات یک مفسد اقتصادی، رسیدگی موقت به یک اعتراض کارگری یا استمهال موقت بدهکاران بانکی را در دستور کار قرار داده و کمتر به ریشه‌ها پرداخته‌ایم (خاندوزی، ۱۳۹۷). در صورتی که با نگاهی راهبردی و بلندمدت، اولاً این قبیل مسائل نباید مانع حرکت پیش‌رونده انقلاب شود؛ ثانیاً، برای جلوگیری از تکرار این قبیل مسائل باید از روزمرگی و داشتن افق کوتاه‌مدت پرهیز کرد.

- **بسترسازی برای ترویج فعالیت‌های انقلابی:** بدون شک، میان سهولت دست یازیدن به فعالیت‌های انقلابی با ترویج اقدامات انقلابی و به تبع آن، ترویج روحیه انقلابی، نسبت مستقیم وجود دارد. بنابراین، اگر قرار است روحیه انقلابی در کشور گسترش یابد و تقویت شود، باید بستر لازم برای ترویج فعالیت‌های انقلابی، بیش از پیش، فراهم شود و موانع پیش روی این قبیل فعالیت‌ها، برطرف گردد.

- **میدان دادن به افراد و مجموعه‌های انقلابی:** یک واقعیت قابل تأمل در کشور این است که در برخی موارد، افراد و مجموعه‌های انقلابی، به جای آنکه بیش از سایرین مورد توجه باشند و موانع پیش روی آنها با سرعت مرتفع شود، ملاحظه می‌شود که این موانع برای آنها حتی بیشتر از سایرین است. برای مثال، می‌توان به حضور نیروهای انقلابی در عرصه‌های سازندگی و عمرانی اشاره کرد، به گونه‌ای که با وجود کارآمدی این نیروها در حوزه‌های گفته‌شده، اما به راحتی از انجام دادن برخی پروژه‌ها منع می‌شوند، یا در حالی که آنها توانایی انجام دادن برخی پروژه‌ها را دارند، اما همان پروژه‌ها به طرف‌های خارجی واگذار می‌شود. در چنین وضعیتی، روحیه انقلابی به جای بالندگی و احساس شکوفایی، ممکن است دچار افت شود.

- **پیشگامی مسئولان در حوزه‌های انقلابی:** بدون شک، میان ترویج روحیه انقلابی در جامعه با پیشگامی مسئولان در حوزه‌های انقلابی، نسبت مستقیم وجود دارد؛ یعنی به میزانی که مسئولان در حوزه‌های انقلابی پیشگام و پیش‌قدم باشند، روحیه انقلابی به همان میزان در جامعه رشد یافته، ترویج می‌شود. برای مثال، اگر مسئولان کشور در نهادهای مختلف،



مدیریت جهادی را سرلوحه کار خود قرار دهند و مردم ثمرات این نوع مدیریت را لمس کنند، روحیه انقلابی در جامعه غلبه پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر، در اینجا باید از تطابق حرف و عمل مسئولان، به‌ویژه مسئولان انقلابی سخن گفت.

- سرلوحه قرار دادن سبک زندگی انقلابی: یکی از مهم‌ترین مواردی که در ترویج روحیه انقلابی در کشور تأثیر جدی دارد، انقلابی زیستن است. در واقع، وقتی زندگی و سیره ما تجلی ارزش‌های انقلابی باشد، در این صورت، روحیه انقلابی به صورت مداوم در فضای جامعه حفظ و تقویت می‌شود. این موضوع، به‌ویژه در ارتباط با مسئولان اهمیت دارد. بنا به همین اهمیت است که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب به «سبک زندگی» به عنوان یکی از عرصه‌هایی که در تحقق گام دوم باید مورد توجه قرار گیرد، تأکید داشتند.

نتیجه‌گیری

گذر انقلاب اسلامی از گام اول آن و کسب موفقیت‌ها و دستاوردهای بی‌شمار در این گام، در عین وجود برخی آسیب‌ها و چالش‌ها نشان می‌دهد که راز موفقیت‌ها و آسیب‌های مذکور را باید در جهت‌گیری‌ها و نگاه‌های حاکم بر بخش‌های مختلف کشور دانست؛ بدین معنا که هر جا نگاه انقلابی و جهادی مبنا بوده، دستاوردهای بی‌شمار، آن هم در شرایط سختی، فشار و تهدید حاصل شده و هر جا که از نگاه انقلابی و جهادی فاصله گرفته‌ایم، دل‌زدگی و آسیب ایجاد شده است. بنابراین، نگاه انقلابی و جهادی یکی از ظرفیت‌های راهبردی نظام اسلامی است که در فرصت‌سازی و خلق مزیت در چهل سال گذشته، تأثیری بسزا داشته است.

در واقع، اکنون که انقلاب اسلامی وارد گام دوم خود شده است، باید بتواند ضمن جبران آسیب‌ها و ضعف‌های موجود در کارنامه چهل ساله خود، برای تحقق گام دوم انقلاب و تسخیر افق‌های تعیین‌شده در این گام نیز تلاش کند. لذا ضروری است انقلاب اسلامی بر ظرفیت‌های خود بیش از پیش اتکا داشته باشد. نگاه انقلابی و عمل انقلابی، یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌هاست. در این میان، نظریه نظام انقلابی، زیربنای نظری و عملی لازم را برای اداره امور کشور و نظام به شیوه انقلابی فراهم می‌کند؛ به شرط آنکه به الزامات آن در حوزه‌های سه‌گانه نگاه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی توجه شود.



منابع و مآخذ

- بیانات رهبردی در دیدار شهردار و اعضای شورای شهر تهران، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در بیست و هفتمین مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳/۲/۱۰.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دبیر و اعضای دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام (ره)، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۳۷۱/۰۳/۱۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۳۸۹/۰۳/۱۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- بریتون، کرین (۱۳۶۶)، کالبدشکافی چهار انقلاب، چاپ چهارم، تهران: نشر نو.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۷)، «نظریه‌ای که «راهنمای عمل» است»، در:

<http://farsi.khamenei.ir>

- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸)، «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ افتخار به گذشته، امید به آینده»، تهران: دفاع از «نه آنارشیسم، نه محافظه‌کاری»، در: هفته‌نامه خط حزب‌الله، ش ۱۷۳.
- خان‌دوزی، سیداحسان (۱۳۹۷)، «گام دوم و اصلاحات نظام سیاست‌گذاری»: در:

<http://farsi.khamenei.ir>

- فتحعلی، محمود (۱۳۸۹)، درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- قربانی، مصطفی (۱۳۹۵)، ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، تهران: ناد جاوید.

- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، (۱۳۹۲)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ یازدهم، تهران: توتیا.



